

# تحلیلی فقهی بر نامطلوب بودن توسعه عمودی بناهای مسکونی در شهر اسلامی<sup>۱</sup>

محمدمنان رئیسی<sup>۲</sup> - استادیار معماری دانشگاه قم.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۶

## چکیده

این پژوهش به دنبال ژرفکاوی الگوی توسعه عمودی در ابنیه مسکونی از منظر فقه شیعی است و مسئله‌ای که محور این پژوهش را تشکیل می‌دهد، عبارت است از «مطلوبیت یا عدم مطلوبیت فقهی توسعه عمودی در ابنیه مسکونی و تبیین علل آن». برای ژرفکاوی این مسئله از روشی ترکیبی در این پژوهش استفاده شده است؛ به نحوی که در مقام گردآوری داده‌ها از روش اسنادی استفاده شده اما در مقام تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیل محتوای کیفی و استدلال منطقی بهره‌گیری شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، توسعه عمودی در ابنیه مسکونی به دلایل متعدد فقهی، مطلوبیت ندارد که این دلایل را می‌توان به دو دسته ادله صریح و ادله غیرصریح تقسیم نمود. از مهمترین دلایل دسته نخست می‌توان مواردی همچون موضوع اشراف و ایجاد مزاحمت ساختمان‌های بلند در تهویه ابنیه مسکونی مجاور را برشمرد که به صراحت در متون فقهی مورد نهي قرار گرفته و قبل از این پژوهش، در سایر پژوهش‌های مشابه نیز کمابیش مورد بحث بوده است؛ اما نوآوری این پژوهش در تبیین دسته دوم (ادله غیرصریح) است که در این خصوص می‌توان به مواردی همچون تقابل با انجام برخی تکالیف شهروندی و اجتماعی، تقابل با برخی از سنن معصومین (ع) مانند سنت استهلال و تقابل ضمنی با برخی از آیات و ادعیه اشاره نمود. همان‌طور که اشاره شد، تحلیل و استنتاج یافته‌ها از این نوع ادله از ابداعات این پژوهش است.

**واژگان کلیدی:** ابنیه مسکونی، توسعه عمودی، فقه شیعی، آموزه‌های اسلامی.

۳

شماره بیست و چهارم

پائیز ۱۳۹۶

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهری

تحلیلی فقهی بر نامطلوب بودن توسعه عمودی بناهای مسکونی در شهر اسلامی

۱. شاکله اصلی این پژوهش حاصل تلمذ (شاگردی کردن) نگارنده در «درس خارج فقه نظام عمران شهری» است که از سال ۱۳۹۳ توسط حضرت آیت الله اراکی در مدرسه دارالشفای قم برگزار می‌گردد.

۲ نویسنده مسئول مقاله: m.raeesi@qom.ac.ir

## ۱. مقدمه

به طور کلی برای توسعه شهر و اجزای کالبدی آن (اعم از ابنیه مسکونی) دو الگوی غالب را می‌توان تصور نمود که عبارت است از توسعه افقی و توسعه عمودی. هر یک از این دو دارای نقاط ضعف و قوت معینی می‌باشند اما به دلایل متعدد و به ویژه تبعات اقتصادی حاصل از تغییر ماهوی ارزش زمین در شهرها (خصوصاً شهرهای بزرگ) و تبدیل آن به یک کالای سرمایه‌ای، امروزه توسعه عمودی در مقایسه با توسعه افقی رواج بیشتری در شهرها و به ویژه کلانشهرها یافته است.

این روند که پس از انقلاب صنعتی و هجوم نیروی کار از روستاها به شهرها آغاز شده، به طور روزافزون در حال تشدید است و در کشور ما به دلیل شرایط خاص اجتماعی-فرهنگی، سبب بروز مسائل و مشکلات متعددی شده است که نمونه بارز آن را می‌توان در کلانشهرهای کشور (به ویژه پایتخت) مشاهده نمود. اما به نظر می‌رسد اراده جدی برای اصلاح این وضعیت وجود ندارد؛ به نحوی که اکنون تهدیدی همچون تراکم فروشی و افزایش غیرقانونی تعداد طبقات ابنیه مسکونی که در قالب توسعه روزافزون عمودی شهرها جلوه‌گر شده، به شیوه‌ای کاملاً رایج برای جبران کسری بودجه شهرداری‌های کلانشهرها تبدیل شده و برنامه‌ای جدی برای اصلاح این وضعیت نیز از طرف سازمان‌های ذی‌ربط ارائه نمی‌شود که این امر منتج به ظهور مسائل متعددی در بافت‌های مسکونی شده است. به نحوی که در اثر بسط روزافزون بلند مرتبه‌سازی، مفاهیمی همچون «پایداری شهری» و «تاب‌آوری شهری» در شهرهای معاصر با تهدید جدی روبه‌رو شده است.

براین اساس، این پژوهش حول این پرسش مبنایی شکل گرفته است که برپایه آموزه‌های فقهی شیعی، آیا الگوی توسعه عمودی - به عنوان الگویی که مسائل فوق ریشه در آن دارد - برای کاربست در ابنیه مسکونی مناسب است یا خیر؟ بدیهی است که چنانچه اثبات شود که پاسخ این پرسش منفی است، آنگاه موضوعاتی همچون تراکم فروشی در ابنیه مسکونی از اساس در تقابل با آموزه‌های فقهی تلقی خواهد شد. گفتنی است که این پژوهش به دنبال تحلیل چرایی رواج توسعه عمودی در ابنیه مسکونی نیست بلکه به دنبال تبیین مطلوبیت یا عدم مطلوبیت آن از منظر فقه شیعی است. بنابراین تحلیل‌های ارائه شده نیز صرفاً متمرکز بر همین مسئله است. نمودار شماره ۱، چارچوب کلی این پژوهش را ارائه نموده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

تاکنون راجع به مسئله مطلوبیت یا عدم مطلوبیت توسعه عمودی در بافت‌های شهری (اعم از بافت‌های مسکونی) کتاب‌ها و مقالات متعددی نگاشته شده است. بمانیان در کتابی با عنوان «ساختمان بلند و شهر» به زوایای مختلف این مسئله پرداخته و با توجه به مسائل و معضلات شهری معاصر، نهایتاً بلند مرتبه‌سازی در بافت‌ها و ابنیه مسکونی را به شرط رعایت برخی ملاحظات و تحت شرایطی مشخص تجویز نموده است (Bemanian, 2011).

آنتونی وود در پژوهشی که در سال ۲۰۰۷ منتشر شده سعی نموده

است تا به مقایسه تطبیقی آثار مثبت و منفی توسعه عمودی در بافت‌های شهری بپردازد؛ وی مواردی همچون کاهش حمل‌ونقل، اتلاف وقت کمتر و کاربرد بهینه زمین را از مهمترین آثار مثبت این نوع توسعه می‌داند و در مقابل، مصرف زیاد انرژی، تراکم جمعیتی زیاد در برخی مکان‌ها، طوفان‌های باد و سایه‌اندازی وسیع در شهر را از معایب این نوع توسعه می‌داند (Wood, 2007). برخی محققان با اشاره به تأثیرات بالقوه این نوع توسعه بر مواردی همچون شرایط زیست محیطی شهر، کیفیت فعالیت‌های فیزیکی و روانی شهروندان و غیره، سعی در ارائه راهکارهایی نموده‌اند که از اثرات سوء این نوع توسعه بر شهرها بکاهد (Wener et al, 2006; Yeang, 2007: 415-159). محققان دیگری همچون عزیز، دانشپور و غیره نیز مقالات و پژوهش‌های حائز اهمیتی در ارتباط با جوانب مختلف توسعه عمودی شهرها به ویژه توسعه عمودی ابنیه مسکونی نگاشته‌اند (Azizi & Malek Mohammad Nejad, ۲۰۰۷؛ Daneshpour et al, 2010).

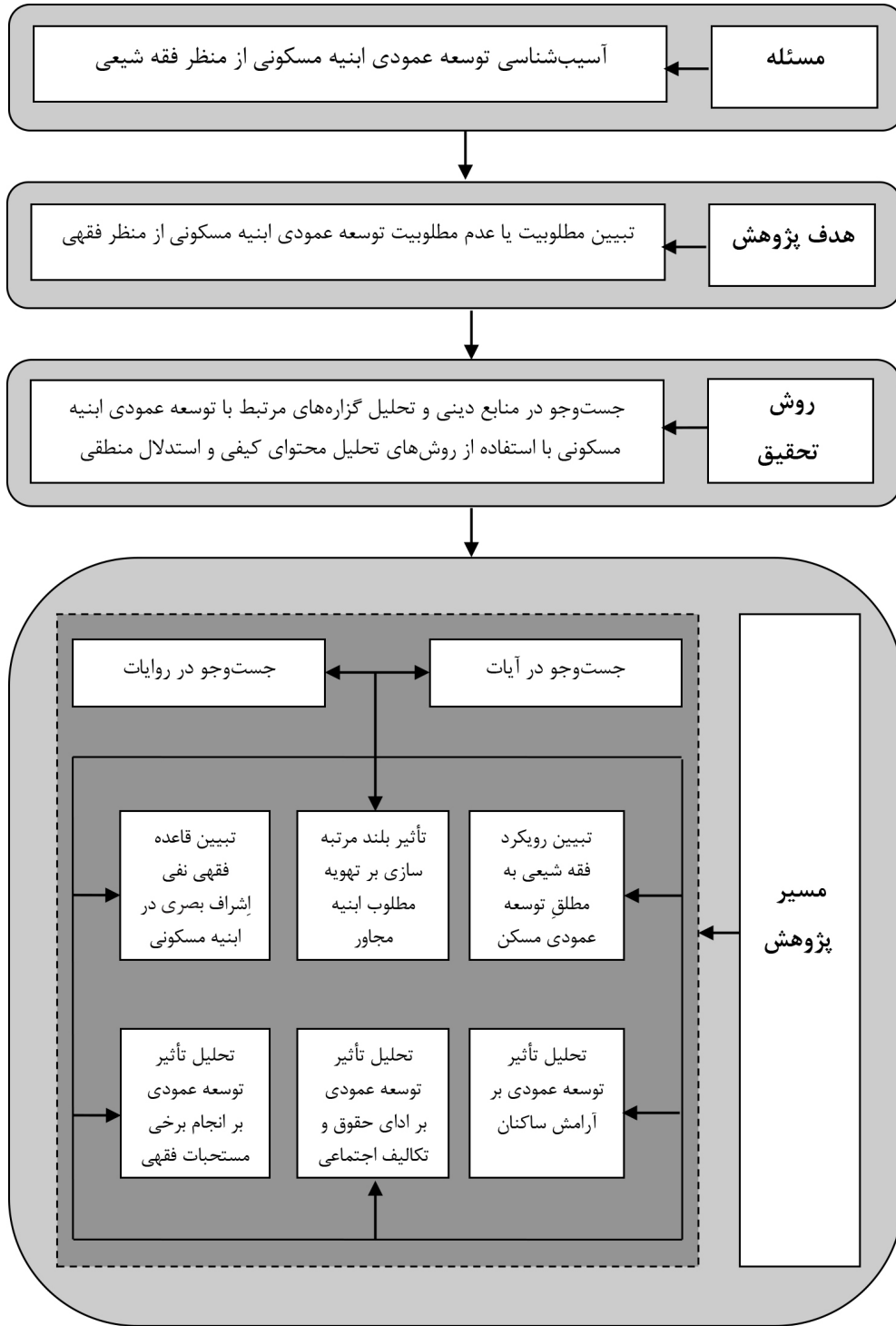
اما آنچه که این پژوهش را از آثار و پژوهش‌های یاد شده متمایز می‌سازد و در واقع جنبه بداعت و نوآوری این مقاله را شامل می‌شود این است که پژوهش‌های یاد شده به موضوع توسعه عمودی از منظر فقهی ورود نکرده‌اند، بلکه به این موضوع از سایر جنبه‌ها (مانند جنبه‌های پایداری، زیبایی شناختی و غیره) پرداخته‌اند. البته تاکنون تعدادی از اندیشمندان مسلمان در برخی کتب خود به زوایایی از فقه شهرسازی پرداخته‌اند (Hakim, 1986; Mortada, 2003) اما نخست این آثار، محدود به فقه اهل تسنن می‌شود نه فقه شیعی و دوم در این آثار به شکلی تفصیلی به تحلیل فقهی توسعه عمودی در ابنیه مسکونی پرداخته نشده است و صرفاً به شکلی اجمالی به این موضوع در کنار سایر موضوعات فقه شهرسازی اشاره شده است. اما این پژوهش در صدد است تا تحلیل فقهی توسعه عمودی ابنیه مسکونی را به شکلی تفصیلی و مبتنی بر آموزه‌های شیعی (به ویژه روایات فقهی معصومین علیهم السلام) ارائه نماید.

## ۳. روش تحقیق

این پژوهش، در مقام گردآوری داده‌ها از روش مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای بهره جسته است؛ به این ترتیب که با جست‌وجوی موضوعی در متون دست اول دینی (شامل آیات و روایات)، گزاره‌هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مسئله این پژوهش - یعنی مطلوبیت یا عدم مطلوبیت فقهی توسعه عمودی در ابنیه مسکونی - ارتباط دارند، گزینش شده‌اند. در گام بعد (در مقام تحلیل و داوری داده‌ها) برای تحلیل گزاره‌ها از روشی ترکیبی (مرکب از تحلیل محتوای کیفی و استدلال منطقی) استفاده شده است؛ به این ترتیب که ابتدا با روش تحلیل محتوای کیفی، مضامین گزاره‌ها - اعم از مضامین توصیفی و صریح و مضامین تفسیری و غیرصریح - استنباط شده‌اند و سپس با استفاده از روش استدلال منطقی، یافته‌های پژوهش استنتاج شده است.

## ۴. بحث و یافته‌ها

نمودار شماره ۱: چارچوب کلی پژوهش



یک مقاله محدود تبیین شود. برخی از این ادله، به طور مستقیم و صریح از متن آیات یا روایات برداشت شده است. اما دسته دوم از ادله، مواردی هستند که حاصل تحلیل‌های مترتب بر گزاره‌های دینی (به ویژه روایات) می‌باشند که در این دسته، در متن گزاره (اعم از آیات و روایات)، به طور صریح به نفی توسعه عمودی اشاره‌ای نشده است اما از مدلول تحلیلی این نوع گزاره‌ها، عدم مطلوبیت توسعه عمودی در ابنیه مسکونی استنباط می‌شود.

همان طور که اشاره شد، این پژوهش از منظری فقهی به مسئله توسعه عمودی در ابنیه مسکونی می‌پردازد و بر این اساس در ادامه، دلایل فقهی متعددی ارائه می‌گردد که اثبات می‌نماید در شهر اسلامی، توسعه عمودی در ابنیه مسکونی مطلوبیت ندارد. البته پرداختن به همه جوانب فقهی مرتبط با این مسئله بسیار فراتر از دامنه یک مقاله محدود است و برای چنین کاری، حجم این پژوهش بایستی حداقل به یک جلد کتاب قطور افزایش می‌یافت ولی سعی شده است اهم ادله این موضوع در حد بضاعت

## ۴٫۱۰۸۱. ادله صریح

## ۴٫۱۰۸۱. نفی ارتفاع زیاد ابنیه مسکونی

در مذمت (نکوهش) ارتفاع زیاد ساختمان‌های مسکونی روایات متعددی نقل شده است که برای ارتفاع خانه اعدادی از هفت تا هشت ذراع (۳٫۵ تا ۴ متر) و نهایتاً در برخی روایات تا نه ذراع را جایز دانسته‌اند و بیش از آن را نهی کرده‌اند. امام صادق (ع) با نهی از مرتفع ساختن مسکن چنین می‌فرماید: هرگاه ارتفاع سقف خانه‌ات بیش از هفت یا هشت ذراع شد، محلی برای سکونت سایر موجودات خواهد شد (Majlesi, 1988: 151). اهمیت این موضوع چنان است که در کتاب روایی «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، در خصوص نهی از بلند ساختن ساختمان، بابتی مستقل با عنوان «بَابُ كَرَاهَةِ تَشْيِيدِ الْبِنَاءِ وَ اسْتِخْبَابِ الْاِقْتِصَارِ مِنْهُ عَلَى الْكُفَافِ وَ تَحْرِيمِ الْبِنَاءِ رِيَاءً وَ شُمْعَةً» تنظیم شده است. همان طور که از نام آن بر می‌آید، موضوع روایات این باب در مذمت فخرفروشی در مسکن با استفاده از مواردی همچون ارتفاع زیاد ساختمان و تجمل‌گرایی در آن است.<sup>۱</sup> از مهمترین روایات این باب، روایت نقل شده از امام حسین (ع) می‌باشد که طبق آن، ایشان پس از آن که خانه‌ای مرتفع و مجلل دیدند، درخصوص مالک خانه چنین فرمودند که با بالا بردن ارتفاع خانه، دین خود را فرو نهاده است: «مَرَّ الْحُسَيْنُ (ع) بِدَارٍ بَعْضِ الْمَهَالِيَةِ فَقَالَ رَفَعَ الظُّلَمِ وَ وَضَعَ الدِّينَ»: امام حسین (ع) منزل (مجللی) را دید، فرمود گل‌ها را بالا برد و دین خود را پایین آورد (Mohaddeth-e Nouri, 1988: 467). همان طور که ملاحظه می‌شود این روایت به طور صریح، ارتفاع زیاد در ساختمان مسکونی را مذمت کرده و این امر را نشانه‌ای از بی‌توجهی به ارزش‌های دینی تلقی کرده است.

در روایتی دیگر، امیرالمؤمنین (ع) در مذمت ارتفاع زیاد مسکن می‌فرماید: «آن کسی که بنایی گذاشته و ... به فرش‌های الوان و بالش‌ها آراسته گردانیده یا آن که بنا را مرتفع ساخته و ذخیره‌ها گذاشته و ... همگی این جماعت، از مسکن‌های خود بیرون شده، در موقف عرض بر خداوند جبار و محل محاسبه اعمال و موضع ثواب و عقاب، جمع خواهند شد. در آن وقتی که امر الهی جاری شود به فصل قضا و قطع احکام، خاسرو زیانکار شوند» (2008: 229, Golestaneh). پیامبر اکرم (ص) نیز در پاسخ به کسی که از ایشان درباره ساخت مسکن برای ریا و شمه پرسیده بودند، چنین فرمودند: «آن، بنایی است که زیاده بر قدر احتیاج، کسی بسازد از برای ترفع و زیادتی بر همسایگان خود و از برای مباهات بر برادران مؤمن خود» (Ibid: 227). ملاحظه می‌گردد که طبق این روایت نیز، بلند ساختن ابنیه مسکونی-چنانچه از مصادیق ترفع بر همسایه تلقی شود-مذمت شده و مشمول ریا و سمعه معرفی شده است.

## ۴٫۱۰۸۲. نفی اشراف به همسایه از طریق بلند ساختن بنا

یکی دیگر از ادله‌هایی که از آن می‌توان به طور روشن و صریح، عدم مطلوبیت توسعه عمودی در ابنیه مسکونی را استنتاج نمود، قاعده اشراف بصری در فقه معماری مکتب اسلام است. روایات

متعددی در این خصوص نقل شده است که به برخی از آنها به شرح زیر اشاره می‌گردد:

امام صادق (ع) چنین می‌فرماید: «هیچ کس اجازه ندارد که بازشویی در دیوارش ایجاد نماید که داخل خانه همسایه از آن دیده شود» (Maghrebi, 1963: 505). در روایتی دیگر، ضمن نفی اشراف بصری چنین نقل شده است که از حقوق همسایه آن است که «بنای خانه‌ات را بر او بلند نسازی» (Shahid-e thani, 1995: 143). در همین خصوص امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) چنین نقل کرده‌اند: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يَطَّلِعَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ جَارِهِ»: رسول خدا (ص) سرک کشیدن فرد در خانه همسایه‌اش را نهی نمود (Sheikh horr-e ameli, 1993: 335). طبق روایت نقل شده از پیامبر اکرم (ص)، عدم توجه به این مهم، بسترساز ظلمانی شدن روح بنده می‌باشد: «ثَلَاثٌ يُطْفِئْنَ نُورَ الْعَبْدِ مَنْ قَطَعَ وَدَّ أَبَاهُ أَوْ حَضَبَ شَيْبَتَهُ بِسَوَادٍ أَوْ وَضَعَ بَصْرَهُ فِي الْحُجْرَاتِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُؤَدَّنَ لَهُ: سه چیز است که نور بنده را خاموش می‌کند... و چشم انداختن در اتاق‌های دیگران بدون اجازه» (Without date: 191, Ibn-e Ashath). باتوجه به روایات فوق، از آنجا که اشراف به ابنیه مجاور در شریعت اسلام نهی شده است و توسعه عمودی ابنیه مسکونی در مقایسه با توسعه افقی، تناظر بیشتری با این موضوع دارد، توسعه عمودی در این نوع ابنیه مطلوبیت فقهی ندارد. البته مدیریت‌های شهری، امروزه در قوانین شهرسازی سعی بر کنترل اشراف بصری با استفاده از راهکارهایی مانند افزودن ارتفاع کف پنجره و محل قرارگیری بازشوها دارند اما حداکثر کارکرد این نوع راهکارها، در محدود کردن اشراف بصری در طبقات هم‌تراز است و در کنترل اشراف طبقات بالاتر به طبقات پایین‌تر ساختمان مقابل، تأثیر چندانی ندارند.

## ۴٫۱۰۸۳. ایجاد مزاحمت ساختمان‌های بلند در تهویه مطلوب ابنیه مجاور

موضوع ممانعت ساختمان‌های بلند از تهویه مطلوب و گردش باد در ابنیه مسکونی مجاور، یکی دیگر از ادله‌هایی است که براساس آن، عدم مطلوبیت توسعه عمودی در ابنیه مسکونی استنتاج می‌شود. پیامبر اکرم (ص) در این خصوص چنین می‌فرماید: «أُتِدْرُونَ مَا حَقَّ الْجَارُ... و لا تستطل عليه بالبناء فتجب عنه الزَّيْحُ أَلَا بَاذَنَهُ»: آیا می‌دانید حق همسایه چیست؟ ... و خانه خود را بالاتر از ساختمان او قرار ندهی که مانع گردش هوا در منزلش بشود، مگر با اجازه او (Shahid-e thani, 1996: 103). روشن است که طبق این روایت، توسعه عمودی ابنیه مسکونی می‌تواند به نوعی حق‌الناس منجر شود. اهمیت این موضوع آنگاه مشخص می‌شود که به جایگاه بسیار مهم حق‌الناس و رعایت حقوق دیگران در آموزه‌های دینی توجه کافی شود. با استناد به همین روایت و براساس قاعده فقهی «تنقیح مناط»، می‌توان مزاحمت توسعه عمودی برای دریافت جریان هوا را به موضوع مزاحمت

۲. تنقیح مناط یعنی منقح کردن و پاک کردن ملاک و علت حکم سپس تعمیم دادن آن و در اصطلاح فقهای شیعه یکی از شیوه‌های استنباط حکم است که در آن با اجتهاد، علت حکم تمییز داده می‌شود تا بتوان حکم را به تمام مواردی که علت در آنها وجود دارد، تعمیم داد.

۱. طبق لغت‌نامه‌های مختلف اعم از لغت‌نامه‌های فارسی همچون لغت‌نامه دهخدا یا معین و لغت‌نامه‌های عربی همچون المنجد، واژه تشیید به معنای بلند ساختن و برافراشتن است.

برای دریافت نور و آفتاب نیز بسط داد. یعنی به همان دلیل که ساختمان همسایه نباید مانع دریافت هوا برای همسایه‌اش گردد، نایبستی باعث سایه‌اندازی و مانع دریافت نور و آفتاب هم گردد.

#### ۴.۲. ادله غیرصریح

دسته دوم از دلایل عدم مطلوبیت توسعه عمودی ابنیه مسکونی، روایاتی هستند که به این امر تصریح نکرده‌اند اما از تحلیل قرائن و شواهد موجود در متن آنها، دلالت بر چنین امری استنباط می‌شود. در ادامه، تبیین این دسته از ادله در عناوین مختلف ارائه می‌شود.

#### ۴.۲.۱. محدودیت در ارتفاع برخی از عناصر کالبدی شاخص

شهر اسلامی، شهری مسجد محور است و کانون هویت آن، حول این عنصر کالبدی شکل می‌گیرد (Raeesi, 2016: 9-10). تا جایی که طبق اسناد تاریخی، رسول خدا (ص) پس از عهده‌دار شدن تعیین سازمان کالبدی مدینه‌النبی، نخست مسجد را بنیان نهادند و آن را کانون این شهر قرار دادند (Ameli, 2012: 26). حتی چنین نقل شده است که "ایشان نخست مسجد را بنیان می‌نهاد و آنگاه خانه‌ها را گرد آن طرح‌ریزی می‌کرد" (Ibid: 183). پس با توجه به اهمیت بسیار زیاد مسجد در شهر اسلامی و نقش محوری آن در سازمان کالبدی و معنوی شهر، چنین استنباط می‌شود که چنانچه ابنیه‌ای در شهر، از محدودیت در ارتفاع مستثنی باشد، آن ابنیه بی‌تردید بایستی مسجد باشد؛ اما برخلاف این تصور، گزاره‌های روایی متعددی در مذمت ارتفاع زیاد مساجد نقل شده است. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) چنین نقل شده است که به برافراشته ساختن مساجد فرمان داده نشده‌ام (Mottaghi, 1991: 668). Hendi). طبق روایتی دیگر، امام علی علیه السلام پس از آن که در

کوفه مسجدی را دیدند که به ساختمان‌های اطراف مشرف بود، چنین فرمودند: "گویا این معبد یهود و نصاری است، مساجد را نباید مرتفع و بلند ساخت بلکه پست و کوتاه باید بنا نمود" (2001: 57, Ibn-e Babeveih). از امام باقر(ع) نیز چنین روایت شده است که "هنگامی که قائم(عج) قیام کند، تمام مساجد روی زمین را که اشراف داشته باشد، خراب می‌کند" (Tabarsi, 1988: 590).

جالب آن که حتی برخی اجزای کالبدی مساجد که به لحاظ عملکردی، نیازمند ارتفاع بیشتر بوده‌اند نیز از این قاعده مستثنی نشده‌اند. برای مثال در صدر اسلام از مناره‌ها برای اعلان اذان استفاده می‌شده است که قاعدتاً چنین عملکردی را می‌توان جواز بر مستثنی کردن این عنصر از محدودیت ارتفاع تلقی نمود اما حساسیت مکتب اسلام بر عدم گسترش عمودی در بافت‌های شهری به حدی است که حتی این عنصر کالبدی نیز از قاعده یاد شده مستثنی نشده است؛ برای مثال در کتاب روایی من لایحضره الفقیه (که از معتبرترین کتب روایی شیعه است) چنین نقل شده است که امام علی(ع) بر مناره بلندی گذر کرد و دستور داد آن را خراب کنند و سپس فرمود که مناره را نباید بلند ساخت (2014: 32, Raeesi & Noghrekar).

از مجموع روایات فوق چنین استنباط می‌شود، در جایی که حتی مساجد (که کانون کالبدی، فضایی و معنوی شهر اسلامی هستند) از قاعده عدم مطلوبیت توسعه عمودی مستثنی نشده‌اند، به طریق اولی، ابنیه مسکونی نیز بایستی با توجه به این مهم طراحی و احداث شوند. به بیان دیگر، تأکید اسلام بر نهی توسعه عمودی در نظام کالبدی شهر، آنقدر شدید است که حتی مساجد و اجزای کالبدی آن را نیز از این قاعده مستثنی نکرده و به طریق اولی، ابنیه مسکونی نیز مشمول این قاعده می‌باشند.



تصویر شماره ۱: بافت تاریخی ابرکوه؛ گسترش افقی ابنیه مسکونی ضمن ایجاد امکان تفکیک اندرونی از بیرونی، امکان نورگیری از جبهه درونی منازل و مستور کردن فعالیت‌های ساکنان از عابران و سایر شهروندان را میسر ساخته است. به نحوی که هیچ باز شویی در بدنه‌های بیرونی منازل مشاهده نمی‌شود.

## ۴،۲،۲. تأمین آسایش و آرامش ساکنان ابنیه مسکونی

طبق آموزه‌های قرآنی، از مهمترین ویژگی‌های مسکن مطلوب، تأمین آسایش و آرامش ساکنان است: "وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا"؛ و خداوند برایتان از خانه‌هایتان محل آرامش قرار داد (Quran, Naml/80). طبق این آیه، مسکن سبب سکون بخشی و آرامش انسان می‌شود اما نه هر مسکنی؛ زیرا واژه «مِنْ» در این آیه نشان می‌دهد که هر مسکنی بستر «سکن» برای انسان نیست و برخی از خانه‌ها چنین ویژگی را ندارند. زیرا اگر همه خانه‌ها بستر «سکن» برای انسان بودند، استفاده از واژه «مِنْ» در این آیه موضوعیت پیدا نمی‌کرد. با مراجعه به متن برخی روایات، چنین استنباط می‌شود که از بایسته‌های مسکن مطلوب اسلامی و تأمین این آرامش، ساتر (پوشاننده) بودن منزل و وسعت و توسعه افقی آن (در مقابل توسعه عمودی منزل) است؛ زیرا این وسعت و توسعه افقی می‌تواند شرایط لازم برای ساتر شدن امور شخصی و خصوصی ساکنان را تأمین نماید؛ امام صادق (ع) در این خصوص چنین می‌فرماید: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيْهِنَّ رَاحَةٌ دَارٌ وَاسِعَةٌ تُؤَارِي عَوْرَتَهُ وَ سُوءَ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى اَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ اَيْتَةٌ اَوْ اُخْتُ يُحْرَجُهَا مِنْ مَنْزِلِهِ بِمَوْتٍ اَوْ بِتَرْوِيجٍ؛ سه چیز است که در آنها برای مؤمن آسایش (راحتی) است؛ خانه-ای وسیع که ساتر امور خصوصی او و نقصان‌ها و بدی حالش از چشم مردم باشد و ... (Ibn-e Babeveih, 1983: 159). در معماری سنتی ما کاملاً به این مهم توجه می‌شده و اغلب خانه‌ها به نحوی ساخته می‌شدند که وسعت و توسعه افقی آنها، ضمن ایجاد امکان تفکیک اندرونی از بیرونی، امکان مستور کردن امور خصوصی ساکنان خانه از چشم دیگران را میسر می‌ساخت (تصویر شماره ۱۵). اما در شرایط فعلی، بسیاری از واحدهای مسکونی به نحوی ساخته می‌شوند که گاهی با باز شدن در منزل، حتی فضاهای کاملاً خصوصی همچون پستوی اتاق‌های خواب نیز در معرض دید دیگران قرار می‌گیرد. ممکن است این اشکال به ذهن متبادر شود که در صورت توسعه عمودی، فضاهای طبقات فوقانی را می‌توان به نحو بهتری از معرض دید دیگر افراد (که در ترازهای پایین‌تر سکونت دارند) خارج ساخت؛ اما بایستی توجه داشت که این نوع طراحی، به از دست رفتن آسایش و آرامش ساکنان ابنیه مجاوری که در ترازهای پایین‌تر زندگی می‌کنند، منجر می‌شود زیرا بدیهی است که این افراد دائماً فضای زیست خود را در معرض دید دیگران (که در ترازهای بالاترند) می‌پندارند.

تعمق بر آیاتی که در قرآن کریم، حاوی واژه «سکن: آرامش» هستند نتایج مهم و جالبی را در این خصوص به دست می‌دهد. طبق بررسی نگارنده، در قرآن کریم جمعاً پنج موضوع با ویژگی القاء مسکن معرفی شده‌اند که البته دو مورد از آنها، مربوط به زمان و مکان خاصی بوده است (مانند تابوت آرامش بخش در داستان حضرت طالوت و جالوت در سوره بقره که مربوط به زمان و مکان خاصی بوده و در حال حاضر موضوعیت ندارد) اما سه عامل دیگر، فرا زمانی و فرا مکانی هستند و اکنون نیز موضوعیت دارند که این سه عبارتند از شب و همسر و خانه (آیات مربوط به

القاء مسکن و آرامش توسط این سه در پانویشت بیان شده است).<sup>۱</sup> با بررسی جامع نگارنده درباره کلیه آیات حاوی این سه عامل، مشخص شد که تنها وجه اشتراک موجود بین عوامل نخست و دوم (یعنی شب و همسر)، قابلیت پوشاندگی آنهاست که در قرآن با واژه «لباس» به کار رفته است. یعنی با استناد به ادبیات قرآنی، تنها وجه اشتراک دو عامل آرامش بخش شب و همسر، پوشاننده بودن آنهاست (برخی آیات مربوط به ویژگی پوشاندگی این دو در پانویشت بیان شده است)<sup>۲</sup>؛ بالتبع، دلیل آرامش بخشی این دو را باید در همین قابلیت پوشاندگی (به عنوان تنها وجه اشتراک این دو) جست‌وجو نمود. بر همین اساس، چنین استنباط می‌شود که مسکن مطلوب نیز (به عنوان سومین عامل آرامش بخش در قرآن کریم) بایستی دارای همین وجه اشتراک باشد تا بتواند «سکن: آرامش» را همچون دو عامل دیگر انتقال دهد. بر این اساس، سؤال مهمی که طرح می‌شود این است که بین دو الگوی افقی و عمودی، کدام یک بیشتر می‌تواند تأمین کننده ویژگی پوشاندگی و بالتبع، آرامش بخشی در مسکن باشد. آیا توسعه عمودی، منجر به اشراف به فضاهای خصوصی پلاک‌های مجاور و تضعیف ویژگی پوشاندگی آنها نمی‌شود و آیا ساختمان‌های مرتفع و عمودی، خود، بیش از ساختمان‌های افقی در معرض دید دیگران قرار نمی‌گیرند؟ بدیهی است که در مقایسه با بافت‌های مسکونی عمودی، بافت‌های افقی (به ویژه آنگاه که با الگوهای درونگرا همراه شود) پوشاندگی بیشتری را برای ساکنان خود فراهم می‌آورد و امور خصوصی و شخصی ساکنان را به نحو بهتری پوشش داده و مستور می‌نماید (جدول شماره ۱).

بنابراین با استناد به ادبیات قرآنی، چنین استنباط می‌شود که در مقایسه با الگوهای افقی، الگوهای عمودی به دلیل آن که قابلیت پوشاندگی مسکن (به ویژه برای پلاک‌های مجاور) را تضعیف می‌نمایند، ویژگی آرامش بخش بودن خانه را به خوبی تأمین نمی‌نمایند و مطلوبیت فقهی ندارند.

## ۴،۲،۳. انجام برخی تکالیف اجتماعی

۱. برخی از آیات مربوط به القاء ویژگی مسکن در سه موضوع خانه، شب و همسر به شرح زیر است:

آیه مربوط به مسکن در همسر: وَ مِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوْا اِيْهَا؛ و از دیگر نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید (روم/۲۱)؛ آیه مربوط به مسکن در شب: فَالْقُلُوبُ الْاِضْطَاجُ وَ جَعَلَ اللَّيْلُ سَكَنًا؛ شگافنده صبح [از پرده تاریک شب] است و شب را مایه آرامش قرار داد (انعام/۹۶)؛ آیه مربوط به مسکن در خانه: وَ اللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا؛ و خداوند از خانه‌هایتان برایتان آرامش قرار داد (نحل/۸۰).

۲. آیه مربوط به پوشاندگی شب: وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِيَسَآءُ: اوست که شب را برای شما پوشش قرار داد (فرقان/۴۷)؛ آیه مربوط به پوشاندگی همسر: هُنَّ لِيَنَاسُ لَكُمْ وَ اَنْتُمْ لِيَنَاسُ لِهِنَّ؛ آنان (همسران شما) برای شما پوشش و شما هم برای آنان (همسرانتان) پوشش هستید (بقره/۱۸۷).

نوع توسعه ابنیه مسکونی	کیفیت کلی پوشاندگی الگو	نمونه عینی	نتیجه
توسعه عمودی (غالباً برونگرا)			پوشاندگی حدافلی
توسعه افقی (با قابلیت کاربست الگوهای درونگرا)			پوشاندگی حداکثری

### جدول شماره ۱: مقایسه تطبیقی قابلیت پوشاندگی الگوهای عمودی و افقی در ابنیه مسکونی معاصر و سنتی

در نمونه معاصر، کاربست الگوی عمودی و برونگرا سبب شده است که فضای درون واحدهای مسکونی، حداکثر ارتباط بصری با فضای عمومی بیرون را داشته باشند که این امر، سبب تضعیف قابلیت پوشاندگی مسکن شده است. در حالی که در نمونه سنتی، کاربست الگوی افقی و درونگرا سبب افزایش قابلیت پوشاندگی مسکن و بالتبع، تأمین حریم حداکثری برای کاربران مسکن شده است و همان طور که بیان شد، طبق ادبیات قرآنی، این امر از لازمه‌های آرامش بخشی مسکن است.

این ۴۰ ذراع، علاوه بر حدود افقی، در حدود عمودی نیز منظور شود، انجام این تکالیف برای یک شهروند مسلمان بسیار دشوار و بلکه غیرممکن است. مثلاً می‌توان محله‌ای را مثال زد که در آن، ساختمان‌های مسکونی تا ۱۰ طبقه ساخته می‌شوند (وضعیتی که در حال حاضر در برخی محلات کلانشهرهای کشور به ویژه تهران مشاهده می‌شود). در چنین شرایطی با استناد به روایات یاد شده، برای هر خانواده تا ۴۰۰ همسایه متصور می‌باشد حاصل ضرب عدد ۴۰ در عدد ۱۰) و بدیهی است که اطلاع و آگاهی و رسیدگی به امور چنین حجم وسیعی از همسایگان، تا چه حد دشوار و طاقت فرسا و بلکه ناممکن می‌باشد. از آنجا که تمام دستورات اسلام مبتنی بر حکمت است و اسلام امر به تکالیف غیرممکن نمی‌نماید پس چنین استنباط می‌شود که مدلول التزامی این نوع دستورات، نفی ارجحیت توسعه عمودی در ابنیه مسکونی است. وضعیت فعلی روابط همسایگی در مجتمع‌های بلند مرتبه مسکونی و عدم تعامل و روابط اجتماعی مطلوب بین همسایگان در چنین ساختمان‌هایی، شاهدهی بر این مدعاست که اداء

از مهمترین تکالیفی که یک فرد مسلمان بر عهده دارد، تکالیف اجتماعی او است که این تکالیف به ویژه در بخش حقوق همسایگان، حائز اهمیتی مضاعف است. رسول اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید که جبرئیل پیوسته مرا توصیه به همسایه می‌کرد تا جایی که گمان کردم همسایه از همسایه ارث می‌برد (Radaie Amoli, 2006: 386). ایشان در روایتی دیگر، با اشاره به اهمیت بسیار همسایه‌داری چنین می‌فرماید: «به من ایمان نیاورده است کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه بماند»<sup>۲</sup> (Ibid: 385). از برخی روایات مربوط به حدود همسایگی چنین استنباط می‌شود که توسعه عمودی در شهر اسلامی مطلوب و موّجه نمی‌باشد. طبق برخی احادیث، حدود همسایگی در اسلام تا ۴۰ ذراع و در جای دیگر تا ۴۰ منزل روایت شده است (Tabatabaie, 1995 195). با توجه به تکالیف بسیاری که پیرامون همسایه در شریعت وارد شده است، چنین به نظر می‌رسد که اگر

۱. ما زال جبرئیل (ع) یوصینی بالجار حتی ظننت أنه سیؤرته  
۲. لیس المؤمن الذی یشبع و جاره جائع الی جنبه

حقوق همسایگی در چنین شرایطی در مقایسه با بافت‌های افقی شهرهای سنتی، به مراتب دشوارتر است.

#### ۴،۲،۴. منسوخ شدن برخی از سنن معصومین (ع)

لازمه انجام برخی از سنت‌های معصومین (ع) که در ادامه بیان خواهد شد، ارتباط با طبیعت و اجزای آن است ولی طبق توضیحاتی که در این بخش ارائه می‌شود، توسعه عمودی شهر (به ویژه توسعه عمودی ابنیه مسکونی) به دلیل محدود کردن نوع ارتباط با طبیعت، به تدریج در تقابل با انجام این سنن قرار می‌گیرد؛ ضمن آن که ارتباط با طبیعت، علاوه بر سنت معصومین (ع)، در آیات متعددی از قرآن کریم نیز توصیه شده است. برای مثال قرآن با دعوت به مشاهده آسمان در سوره قاف چنین می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ»: آیا به آسمانی که بالای سرشان است نگاه نکردند که چگونه ما آن را بنا کرده‌ایم و چگونه به وسیله ستارگان زینت بخشیده‌ایم و هیچ شکاف و ناموزونی در آن نیست (Quran, Qaf/6). در ادامه به برخی سنت‌های معصومین (ع) اشاره می‌شود که به دلیل توسعه بی‌رویه عمودی در ابنیه مسکونی، به تدریج در معرض منسوخ شدن قرار گرفته‌اند.

#### ۴،۲،۴.۱. سنت مشاهده آسمان و ستارگان در سحرگاهان

یکی از سنت‌های معصومین (ع) که برای انجام آن استحباب قابل توجهی نیز بیان شده است، سنت نگریستن به آسمان و ستارگان و تلاوت آیات انتهایی سوره آل عمران در سحرگاهان (قبل از اقامه نماز شب) است که طبق برخی اسناد، امیرالمؤمنین (ع) بر این سنت تداوم داشته‌اند. بدیهی است که لازمه تداوم این سنت، باز بودن دامنه دید افراد برای مشاهده آسمان و ستارگان در دل شب است. زیرا چنانچه آسمان و ستارگان در دامنه دید افراد نباشد، آنگاه انجام این سنت نیز یا میسر نمی‌باشد و یا به سختی میسر خواهد شد. متأسفانه در شرایط فعلی بسیاری از کلانشهرها، به دلیل گسترش عمودی و احداث بلوک‌های مسکونی در طبقات متعدد، بسیاری از شهروندان که در طبقات پایین تر ساکن هستند، حتی در زمان قرار گرفتن در آستانه بازشوی منازل خود، آسمان و ستارگان را در دامنه دید خود ندارند و به جای آن، انبوهی از مصالح ساختمانی را می‌بینند که در قالب بلوک‌های مسکونی همسایگان جلوه‌گر شده است (برای مثال می‌توان دامنه دید فردی را تصور نمود که در طبقه دوم یا سوم زندگی می‌کند و بلوک همسایگی که در مقابل بلوک وی قرار دارد، در ده طبقه احداث شده است. این وضعیت آنگاه بغرنج‌تر می‌شود که عرض معبر نیز کم باشد؛ همچنان که در بسیاری از معابر ۱۰ یا ۱۲ متری شهرهایی همچون تهران، ساختمان‌های ۱۰ طبقه به بالا احداث شده است). روشن است که این محدود شدن دید به آسمان، به دلیل توسعه عمودی بافت‌های مسکونی است که به وضوح در بسیاری از محلات، در تقابل با تداوم این سنت قرار گرفته است.

#### ۴،۲،۴.۲. سنت استهلال در شب اول ماه

یکی دیگر از سنت‌های معصومین (ع)، استهلال - به معنای مشاهده هلال ماه در شب اول ماه - است که برای این سنت نیز استحباب قابل توجهی بیان شده است تا جایی که حتی از برخی

از معصومین (ع) قرائت دعاهایی در هنگام مشاهده هلال ماه توصیه شده است (مانند دعای چهل و سوم صحیفه سجادیه). ضمن آن که در برخی ایام (مانند شب اول ماه‌های رمضان و شوال) این سنت، اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند و حتی برخی فقها در ایام یاد شده، حکم به وجوب این سنت داده‌اند (1999, 292 Mirzay-e Qomi). قرآن کریم با اشاره به اهمیت استهلال، این امر را ابزاری برای تعیین زمان برخی اعمال شرعی می‌داند: يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلِّ هِيَ مَوَاقِيْتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ: از تو از هلال‌ها می‌پرسند بگو اینها وقت‌ها را برای مردم و برای حج معین می‌کند (Quran, Baghareh/189).

اما به رغم اهمیت استهلال در ایام مختلف سال، انجام این سنت نیز همچون سنت بیان شده در بخش قبل، نیازمند باز بودن دامنه دید انسان و امکان رؤیت آسمان و هلال ماه است و در نتیجه گسترش بی‌رویه ساختمان‌های بلند در بافت‌های مسکونی، انجام این سنت برای عموم مردم را با دشواری‌هایی مواجه می‌سازد؛ به ویژه آن که زمان انجام این سنت در ساعات آغازین شب است که در این زمان، عموم مردم در منازل خود و ابنیه مسکونی به سر می‌برند اما امروزه به دلیل توسعه بی‌رویه عمودی در بافت‌های مسکونی، امکان رویت هلال ماه در بسیاری از ساعات شب برای بخش قابل توجهی از شهروندان ساکن در کلانشهرها میسر نیست (مگر آن که از محل سکونت خود و از میان ساختمان‌های بلند کاملاً فاصله بگیرند و خود را به محوطه‌ای باز برسانند که محصور در میان ساختمان‌های بلند نباشد). بنابراین بسیاری از افرادی که در طبقات پایین تر زندگی می‌کنند به جای امکان مشاهده هلال ماه، صرفاً امکان مشاهده انبوهی از ساختمان‌های بلند را دارند که انجام سنت استهلال را برای آنها کاملاً محدود کرده است.

#### ۴،۲،۵. تقابل ضمنی با برخی از آیات و ادعیه

برخی از آیات و ادعیه بردیدن طلوع و غروب خورشید دلالت ضمنی دارند (روشن است که بازه زمانی طلوع و غروب به نحوی است که غالب افراد در این زمان‌ها در ابنیه مسکونی به سر می‌برند و نه در محل کار). در روایات معتبر از امام صادق (ع) نقل شده است که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه این دعا قرائت شود: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَخْضُرُونَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (Qomi, 1999: 38). در مفاتیح الجنان از ایشان دعاهای دیگری نیز به هنگام طلوع و غروب خورشید نقل شده است که حتی به فرموده ایشان، اهمیت برخی از این ادعیه به حدی است که در صورت فراموش شدن یا عدم قرائت در وقت خود، لازم است قضای آنها به جا آورده شود (Ibid). در برخی از آیات قرآن کریم نیز تسبیح و تهلیل خدای متعال در بعضی ساعات شبانه‌روز توصیه شده است: «فَاضْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ»: و بر آنچه می‌گویند صبر کن و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به ستایش پروردگارت تسبیح گوی (Quran, Qaf/39). روشن است که آیات و ادعیه بیان شده، دلالت ضمنی بر لزوم آگاهی از طلوع و غروب خورشید دارند. اما در شرایط فعلی به دلیل گسترش عمودی ابنیه مسکونی، در بسیاری از شهرها این آگاهی برای اغلب مردم با تأخیر حاصل



می‌شود (مگر آن که از ابزارهای یادآوری مانند ساعت بهره ببرند که البته این نوع ابزار نیز، تأثیر مشاهده عینی طلوع و غروب را در یادآوری این زمان‌ها ندارد).

### ۴,۳. تطبیق بحث بر یافته‌های علمی معاصر

آنچه که از بسیاری از پژوهش‌ها و یافته‌های علمی معاصر استنباط می‌شود، تأییدی است بر ادله فقهی بیان شده در این مقاله که در این بخش، برخی از این یافته‌ها ارائه می‌گردد. گفتنی است که حجم این یافته‌ها بسیار فراتر از یک مقاله محدود است و صرفاً به برخی از آنها به طور اجمالی اشاره می‌گردد تا مشخص شود، پژوهش‌های علمی معاصر نیز مؤید همان چیزی است که فقه شیعی، در خصوص نفی توسعه عمودی ابنیه مسکونی بیان می‌دارد.

### ۴,۳,۱. توسعه عمودی و تاب‌آوری شهری

تاب‌آوری به منزله ارتقای توانایی جامعه، برنامه‌ریزی و آمادگی برای جذب و بهبود و موفقیت بیشتر برای مقابله با اثرات ناخواسته بعد از سوانح و ترمیم و بهبود جامعه سانحه دیده از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی است (Manyena, 2011: 418). طبق برخی پژوهش‌های معاصر، توسعه عمودی شهرها (به ویژه ابنیه مسکونی)، تناقضاتی را با برخی مؤلفه‌های تاب‌آوری مانند مؤلفه‌های زیست محیطی و به ویژه اجتماعی به وجود می‌آورد.

پرتوی و همکاران، شاخص‌های متعددی را برای ارزیابی تاب‌آوری تبیین نموده‌اند که از جمله آنها، مواردی همچون دلبستگی به مکان، همبستگی اجتماعی، حمایت اجتماعی، روابط اجتماعی و ایمنی و امنیت است (Partovi et al, 2016: 105). مقایسه بافت‌های مسکونی با الگوی توسعه افقی (مانند بافت‌های مسکونی اغلب شهرهای ایران در سده‌های گذشته) با بافت‌های مسکونی با الگوی توسعه عمودی (مانند مجتمع‌های آپارتمانی در کلانشهرهای معاصر ایران)، می‌تواند نتایج قابل توجهی را در خصوص شاخص‌های بیان شده به دست دهد. در شهر سنتی ایرانی، شهروند به محله خود احساس تعلق داشت و دلبستگی به مکان، سبب تثبیت هویت محله‌های سنتی شده بود. به نحوی که شهروند، خود را منتسب به محله‌ای معرفی می‌کرد که در آن تکوین و رشد یافته بود. اما در مجموعه‌های آپارتمانی معاصر، این تعلق به مکان و بالتبع، تعلق به محله، به طرز مشهودی تنزل یافته است تا جایی که در اثر افول این حس تعلق، اساساً مفهوم محله در کلانشهرهای معاصر ایران با چالش جدی مواجه شده است. تاکنون پژوهش‌های متعددی انجام شده است که این مدعا را تأیید می‌نماید. برای مثال، طی پژوهشی در خصوص مقایسه تطبیقی حس تعلق به مکان در مسکن سنتی (با الگوی توسعه افقی) با مسکن معاصر (با الگوی توسعه عمودی و مجتمع‌های آپارتمانی) این نتیجه حاصل شده است که حس تعلق به مکان در گونه‌های سنتی (افقی) به مراتب بیشتر از مجتمع‌های عمودی است (Heidari et al, 2013: 75-86).

همبستگی، حمایت و روابط اجتماعی را نیز می‌توان از همین منظر، تحلیل نمود. طبق پژوهش بیان شده، در گونه‌های مسکن افقی (سنتی)، به دلیل حس تعلق بیشتر به مکان، ساکنان این

نوع خانه‌ها در مقایسه با ساکنان آپارتمان‌ها، تمایل کمتری به جابه‌جایی مسکن و محل زندگی خود دارند (Ibid: 85). نتیجه بدیهی این موضوع این است که ثبات و دوام سکونت در یک محل، به دوام و تعمیق روابط اجتماعی افراد ساکن در آن محل منتج می‌شود و به همین دلیل است که همبستگی و روابط اجتماعی در بافت‌های مسکونی افقی و کم تراکم در مقایسه با بافت‌های مترکم و عمودی، به طرز معناداری متفاوت است؛ به نحوی که در برخی از مجتمع‌های بلند مرتبه، همبستگی اجتماعی و کیفیت روابط اجتماعی آنچنان افول کرده است که بعضاً واحدهای همسایگی که در یک طبقه و در کنار هم قرار دارند، هفته‌ها و ماه‌ها و بلکه سال‌های متمادی، از احوال یکدیگر بی‌خبر هستند و علاقه‌ای نیز به برقراری این ارتباط بروز نمی‌دهند. بدیهی است که این افول همبستگی و کیفیت روابط اجتماعی، بر افزایش میزان جرم و کاهش امنیت (به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های تاب‌آوری) تأثیرگذار است؛ مقایسه میزان جرم خیزی در مجتمع‌های مسکونی بلند مرتبه با محلات مسکونی کم تراکم، می‌تواند روشنگر زوایای مختلف این مهم باشد.

بنابراین با توجه به توضیحات فوق، نوع توسعه بافت‌های مسکونی (توسعه افقی و یا عمودی) و مؤلفه‌های کالبدی مرتبط با آن (اعم از ارتفاع ساختمان‌ها، فضای باز ساختمان محل سکونت، تراکم محیط ساخته شده و غیره) بر تاب‌آوری شهری کاملاً مؤثر است (Rezaie et al, 2016: 41) و بی‌توجهی به این شاخص‌های کالبدی، کاهش تاب‌آوری شهری را در پی خواهد داشت.

### ۴,۳,۲. توسعه عمودی و مسائل زیست محیطی

از مهمترین نقدهای وارد بر توسعه عمودی بافت‌های شهری (به ویژه در خصوص ابنیه مسکونی)، عوارض زیست محیطی حاصل از این نوع توسعه است که امروزه بسیاری از کلانشهرهای معاصر ایران با آن مواجه هستند. از جمله این عوارض، تغییر غیر طبیعی دمای شهر به علت افزایش بیش از حد سطوح ساختمانی، کاهش وزش باد در سطح شهر و افزایش موضعی سرعت باد در خیابان‌هایی که در جهت باد غالب قرار گرفته‌اند و اثرات بر پیاده‌ها، تغییر در مسیر سیرکولاسیون هوای شهر و همچنین جلوگیری از تابش مستقیم نور آفتاب به ساختمان‌های مجاور را می‌توان برشمرد (Azizi, 1997: 20; Aminzadeh, 1988: 40). اشاره شد و اسناد آن ارائه گردید، این موارد (به ویژه سد کردن جریان هوای طبیعی و مطلوب) در متون دینی و فقهی به صراحت نهی شده است.

طبق مطالعات انجام شده توسط استیون و همکاران، در اثر توسعه عمودی بی‌رویه و سد جریان طبیعی هوا در منطقه منهن نیویورک، جریان باد نزدیک سطح زمین در کنار بلندترین ساختمان‌ها موجب می‌شود که در جلوی ساختمان‌های بلند، جریان پایین سویی شدیدی به وجود آید که موجب افزایش آلودگی هوا می‌گردد (Steven et al, 2006: 1713-1726). طبق یافته‌های دو پژوهش مشابه دیگر نیز که اولی توسط پایک و همکاران (برای شهر سنول) و دومی توسط جولیا و همکاران (برای اوکلاهاما) انجام شده است، الگوی توزیع آلاینده‌ها و میزان توزیع عرضی آن،

کاملاً به تراکم و نحوه چیدمان ساختمان‌ها بستگی دارد و تعداد اندک ساختمان‌های بلند، تأثیر منفی شدیدی بر نفوذ و توزیع جریان باد دارد (Supreme Council of Urbanism, 2014: 6-8). آموریم و همکاران نیز با استفاده از مدل CFD مطالعه مشابهی را بر پیاده‌روهای شهر آوریو پرتغال انجام داده‌اند که طبق نتایج این پژوهش، میزان ارتفاع ساختمان و راستای معابر شهری، در میزان چرخش هوا و سرعت باد در خیابان‌ها تأثیر معناداری دارد (Amorim et al, 2013: 541-551).

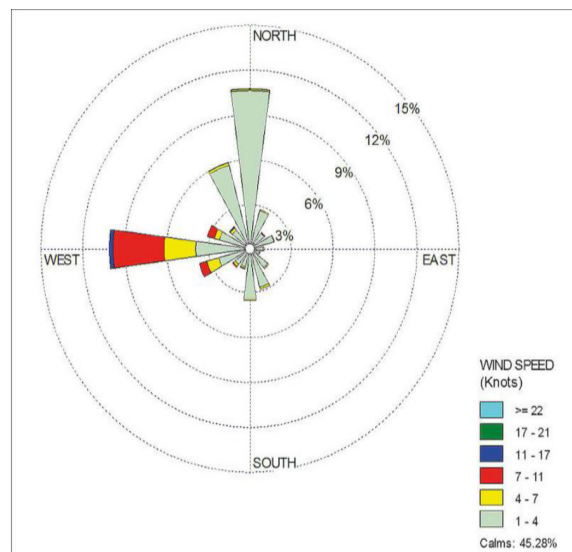
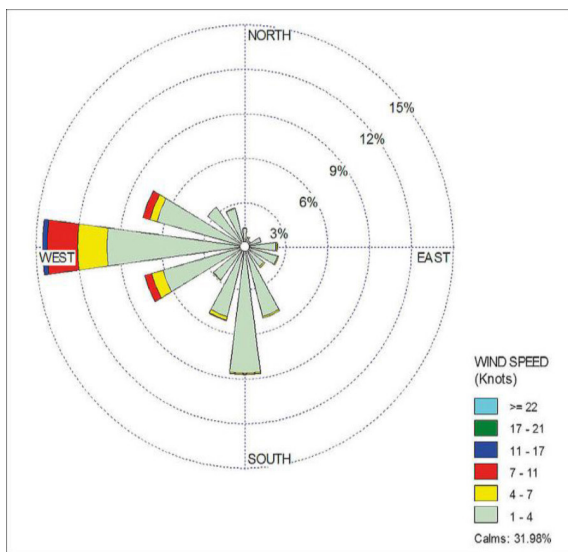
با استناد به گزارش ایستگاه‌های هواشناسی در سطح شهر تهران نیز، طی ۶۰ سال اخیر (یعنی پس از شروع توسعه عمودی در شهر تهران) سرعت وزش بادهای غربی و شمال-جنوب که از بادهای مهم تهران است، همواره روند نزولی داشته است به نحوی که میانگین سرعت وزش این بادهای در ۱۰ سال اخیر، تا یک متر بر ثانیه کاهش را نشان می‌دهد (<http://news.mrud.ir>). طبق این مطالعات، برج‌های شکل گرفته در منطقه ۲۲ تهران، یعنی منطقه‌ای که در حال حاضر با بیشترین تراکم ساختمان‌های بلندمرتبه روبه‌رو است، بین ۱۰ تا ۱۵ درصد برآلودگی هوای پایتخت مؤثر افتاده است و سبب کاهش قابل ملاحظه جریان باد در شمال تهران و ساکن شدن هوا در امتداد شرقی شهر شده است؛ به نحوی که با استناد به گراف‌های به دست آمده از ایستگاه‌های هواشناسی مهرآباد، جریان باد در شمال تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ در مقایسه با دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۴، به شدت کاهش پیدا کرده است (تصویر شماره ۲).

همچنین با توجه به گسترش طولی شهر تهران بین دو جهت غرب و شرق و با لحاظ این که، جریان وزش باد در تهران از غرب به شرق است، جریان باد طی این دوره زمانی، در شرق نیزافت کرده و در امتداد شرقی شهر، سکون هوا بیشتر شده است که این امر منتج به «ایستایی هوا»، «انباشت ذرات آلاینده معلق در هوا» و در نتیجه بروز «تهویه نامطبوع شهر» شده است (Ibid).

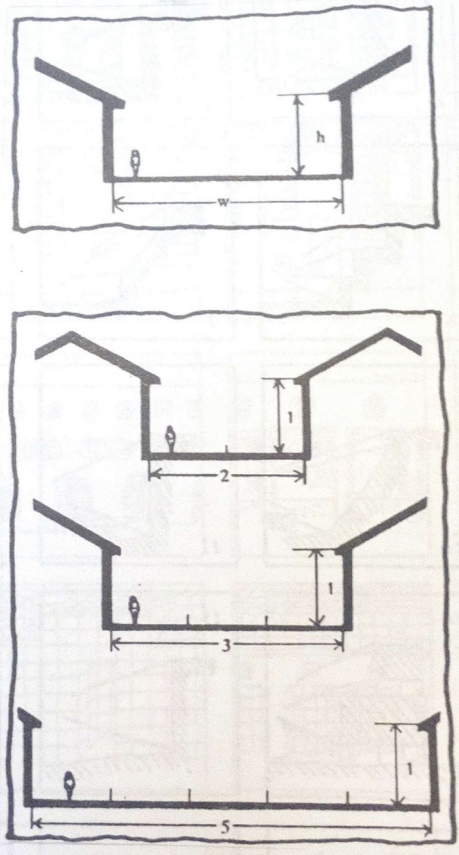
با ترویج الگوی توسعه عمودی، علاوه بر مسئله آلودگی هوا، مسائل زیست محیطی متعدد دیگری مانند افزایش آلودگی صوتی، تولید فاضلاب بیشتر، معضلات دفع زباله، معضلات سایه‌اندازی و غیره نیز تشدید می‌شود (Azizi, 2004: 138). البته برخی از نظریه‌پردازان و شهرسازان، بیان می‌دارند که مسائل یاد شده را می‌توان با کنترل تراکم و سرانه نفر در هکتار، حل نمود. به این نحو که به رغم توسعه عمودی ابنیه مسکونی، فواصل کالبدی بین ساختمان‌ها بیشتر گردد و از فضای باز میان ساختمان‌ها به عنوان فضای سبز و خدمات شهری استفاده گردد تا بتوان تراکم و بالتبع، مسائل یاد شده را کنترل نمود (Golany, 1976: 47-55) اما لازمه این پیشنهاد، از بین رفتن تناسب کالبدی و فضایی و مخدوش شدن حس محصوریت در فضاهای شهری است که طی تصویر شماره ۳ به این موضوع اشاره می‌شود.

### ۴.۳.۳. توسعه عمودی و مسائل کالبدی

توسعه عمودی ابنیه مسکونی که در قالب آپارتمان‌های مرتفع در معابر مختلف شهری جلوه‌گر شده است، سبب تهدید مقیاس انسانی و از بین رفتن تناسب کالبدی در فضاهای شهری می‌گردد. اگر ارتفاع بدنه خیابان بیش از عرض آن باشد، میزان دید به آسمان شدیداً محدود می‌شود (Hedman & Jaszewski, 1984: 76) و هرچه این نسبت بیشتر شود، مقیاس انسانی بیشتر تهدید می‌شود. البته عکس این موضوع نیز مطلوب نمی‌باشد و رعایت تعادل در این خصوص مطلوب می‌باشد (تصویر شماره ۳). طبق بررسی‌هایی که در خصوص شهرهای قدیمی غرب صورت گرفته، اگر نسبت ارتفاع ساختمان به عرض فضای معبر از ۱:۱ تجاوز کند، ممکن است به ناظر نوعی احساس تنگی از فضا دست دهد و اگر این نسبت از ۲/۵:۱ کمتر باشد، ناظر احساس می‌کند که فضا بیش از اندازه باز و گشاد است. به نظر طراحان غربی، وقتی می‌توان گفت که فضای باز به نحو مطلوبی محصور شده است که نسبت ارتفاع به عرض فضا بین ۱:۲ تا ۱:۴ باشد (Tavassoli, 1992: 52). اما با ترویج



تصویر شماره ۲: تأثیر توسعه عمودی بر سرعت و جهت باد در تهران با مقایسه تطبیقی گلیاد تهران در ماه دسامبر طی دوره‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۴ (گراف چپ) و ۱۳۴۵-۱۳۵۴ (گراف راست) در ایستگاه هواشناسی مهرآباد - مأخذ: Supreme Council of Urbanism, 2014: 18-19



تصویر شماره ۴: چند نمونه از تناسب‌های فضایی نسبتاً مطلوب. هرچه نسبت ارتفاع بدنه به عرض خیابان بیشتر شود، محصوریت فضایی شدیدتر می‌شود و بالتبع، مقیاس انسانی ضعیف‌تر می‌شود. البته اگر این نسبت، از حد معینی کمتر شود نیز محصوریت فضایی و بالتبع ادراک فضا به کلی مخدوش می‌شود. - مأخذ: Nelessen, 1994: 199

الگوی توسعه عمودی در بافت‌های مسکونی، اغلب تناسب‌های فضایی از ارقام بیان شده تبعیت نمی‌کند و در نتیجه در اغلب معابر و فضاهای شهری، به دلیل عدم توجه به مقیاس انسانی، کاربرد فضا احساس تنگی و محصوریت بیش از حد می‌نماید. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مسائل کالبدی و اجتناب از مرتفع ساختن بیش از حد مسکن، به صراحت در برخی متون فقهی مورد اشاره قرار گرفته و طبق برخی از روایات منقول از امام صادق (ع)، حداکثر ارتفاع مطلوب برای خانه، هفت تا نه ذراع می‌باشد که اسناد آن در بخش‌های قبل ارائه گردید.

#### ۴,۳,۴. توسعه عمودی و مسائل اجتماعی

الگوی توسعه عمودی و تراکم زیاد، علاوه بر مسائل زیست محیطی، کالبدی و غیره، مسائل اجتماعی متعددی را نیز در پی دارد که از جمله آنها، رواج بزهکاری، انحرافات اجتماعی، بهداشت نامناسب و غیره است (Michelson, 1990). طبق پژوهشی که درباره رابطه تراکم جمعیت (به عنوان یکی از نتایج ترویج توسعه عمودی) با میزان و نوع جرم در بافت‌های مسکونی شیراز انجام شده است، بین متغیرهایی مانند نرخ قتل، کلاهبرداری، سرقت‌های عادی و غیره رابطه معناداری با تراکم وجود دارد (Bayanlou & Mansourian, 2006: 29). طبق

نتایج پژوهشی دیگر، تراکم (به عنوان محصول توسعه عمودی)، تأثیر معناداری بر شاخص‌های امنیتی (مانند میزان قتل، ضرب و جرح و سرقت) در مناطق شهرداری تهران دارد و بالتبع، پایداری اجتماعی به طور معناداری متأثر از تراکم می‌باشد. طبق این تحقیق، با افزایش توسعه عمودی و افزایش تراکم در مناطق ۲۲ گانه تهران، پایداری اجتماعی کمتر شده و ضروری است در روند متراکم سازی، ابعاد اجتماعی توسعه مورد توجه بیشتری قرار گیرد؛ زیرا با کاهش پایداری اجتماعی، پایداری اقتصادی و زیست محیطی و در نهایت پایداری شهری نیز در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد (Jomepour et al, 2012: 85-200).

طبق پژوهش‌های بیان شده، توسعه عمودی بی‌رویه، به دلیل تأثیرگذاری منفی بر شاخص‌های امنیتی و پایداری اجتماعی بافت‌های مسکونی، در تعارض با محتوای برخی متون دینی و به ویژه آیه ۸۰ سوره نحل (که در بخش‌های قبل تبیین شد) قرار می‌گیرد. زیرا طبق این آیه، لازمه مسکن مطلوب، آرامش بخش بودن آن است و بایستی از الگوهای کالبدی که بر آرامش، امنیت و پایداری اجتماعی بافت‌های مسکونی تأثیر نامطلوب دارند، اجتناب گردد. با توجه به مباحث و مستندات ارائه شده در این بخش (بخش ۴ مقاله) مشخص شد که آنچه از فقه و شرع درباره نفی توسعه عمودی ابنیه مسکونی استنباط گردیده است، همان چیزی است که عقل و علم به آن حکم می‌نماید. قاعده «کُلِّ ما حکم به العقل حکم به الشرع» این مهم را به خوبی تبیین می‌کند. البته علاوه بر مسائل بیان شده (اعم از زیست محیطی و کالبدی و اجتماعی و غیره)، مسائل متعدد دیگری مانند مسائل عملکردی و فرهنگی و غیره نیز وجود دارد که می‌توان یافته‌های علمی در خصوص نقش توسعه عمودی بر تشدید همه این مسائل را به تفصیل بیان نمود. اما از آنجا که محوریت این پژوهش با مباحث فقهی است و یافته‌های علمی صرفاً به عنوان مؤید مدعای این مقاله ارائه شده است، از تفصیل سایر مسائل اجتناب می‌گردد. به ویژه آن که ادای حق مطلب در این خصوص (و تطبیق کامل مدعای شرع با یافته‌های علمی) مقاله‌ای مستقل و مفصل را می‌طلبد.

#### ۵. نتیجه‌گیری

فقه شیعی به عنوان دانشی که مدعی ورود به امور مختلف جامعه است، علمی است که نه تنها با امور شخصی و عبادات فردی سرو کار دارد بلکه در شؤون مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره نیز ورود می‌نماید که اصطلاحاً از این نوع فقه در مجامع حوزوی و علمی معاصر به «فقه حکومتی» تعبیر می‌گردد. در این نوع فقه، نگاه به یک مسئله، نگاهی تک بعدی نیست بلکه مسائل فقهی را باید از مباحث کلی و مؤلفه‌های مختلف مؤثر بر تکوین آن مسئله پی‌جویی نمود و پاسخ به مسئله را بایستی در قالب نظام مسائل جست‌وجو نمود. به این ترتیب، مسئله‌ای مانند مطلوبیت یا عدم مطلوبیت توسعه عمودی ابنیه مسکونی را بایستی در قالب نظام مسائل، تحلیل نمود؛ نظامی که مبتنی بر مسائل کلی و بالادست مانند اولویت اسکان و مؤلفه‌های آمایش سرزمین تکوین می‌یابد

## References:

- Holy Quran.
- Ameli, J. (2012). Islamic city. Mashhad: The smell of paradise Press. [In Persian]
- Aminzadeh, B. (1997). Tall buildings and urban environment. Proceedings of the National Conference on Tall Buildings in Iran. Volume 1. University of Science and Technology. 25-29. [In Persian]
- Amorim J.H., Rodrigues V., Tavares R., Valente, J. & Borrego, C. (2013). CFD modelling of the aerodynamic effect of trees on urban air pollution dispersion. Science of the Total Environment. (461): 541-551.
- Azizi, M. & Malek Mohammad Nejad, S. (2007). Comparative study between conventional and high-rise residential complex pattern. Journal of Fine Arts. (32): 27-38. [In Persian]
- Azizi, M. (2004). Density in Urban Planning, Principles and Criteria for Density Determination. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Azizi, M. (1988). Evaluation of physical spatial effects of tower construction in farmaniyeh and Kameraniyeh Neighborhoods. Journal of Fine Arts. (4 & 5): 33-46. [In Persian]
- Bayanlou, Y. & Mansourian, M.K. (2006). Relationship of population density with the amount and type of crime. Journal of Social Welfare. (22): 29-56. [In Persian]
- Bemanian, M.R. (2011). Tall building and City. Tehran: Tehran City Press. [In Persian]
- Daneshpour, A., Mahdavi, M. & Ghiyaie, M.M. (2010). The place of environmental psychology knowledge in high-rise buildings with sustainable architecture approach. Journal of Hoviatshahr. (5): 29-38. [In Persian]
- Golany, G. (1976). New-town planning: principles and practice. New York: Wiley.
- Golestaneh, S. (2008). The method of certainty. Qom: Al-Hadith Press. [In Persian]
- Hakim, B.S. (1986). Arabic- Islamic Cities: Building and Planning Principles. London: Kegan Paul International.
- Hedman, R. & Jaszewski, A. (1984). Fundamentals of urban design. Washington, D.C.: Planners Press.
- Heidari, A.A., Motallabi, Q. & Negin Taji., F.

و سپس به مسائل جزئی‌تر مانند توسعه عمودی ابنیه مسکونی منتج می‌شود. لازمه تحلیل جامع فقهی مسئله توسعه عمودی ابنیه مسکونی، توجه به دانش‌هایی مانند آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای و حتی علوم اقتصاد و جامعه‌شناسی و به ویژه مباحث مهندسی فرهنگی می‌باشد. بر این اساس، توسعه عمودی بر مفاهیمی مانند تاب‌آوری شهری و پایداری شهری، تأثیر قابل توجهی دارد و شاخص‌های مختلف این مفاهیم (اعم از شاخص‌های اجتماعی و زیست محیطی و غیره) را متأثر می‌سازد. در این پژوهش سعی شد به برخی از ادله فقهی (اعم از صریح صریح و غیرصریح) مرتبط با این مهم اشاره شود که طبق این ادله مشخص شد که توسعه عمودی در ابنیه مسکونی از جوانب مختلف در تعارض با آموزه‌های فقه شیعی قرار دارد و آنچه که در توسعه این نوع ابنیه از منظر اسلامی (و به طور خاص، فقه شیعی) اصالت دارد، توسعه افقی است. ضمن آن که اثبات شد که آنچه از متون دینی و فقهی در خصوص نهی توسعه عمودی استنباط می‌گردد، توسط دستاوردهای نو و علمی معاصر نیز تأیید می‌گردد و در واقع، آنچه امروز و در این خصوص به عنوان دستاوردهای نو در جهان مطرح می‌باشد، قرن‌ها قبل در آموزه‌های منبعث از آیات و روایات مورد توجه بوده است. اما در عین حال، توسعه افقی نیز نمی‌تواند بدون ضابطه و نامحدود ادامه پیدا کند زیرا این امر هزینه‌ها (به ویژه هزینه‌های اقتصادی) قابل توجهی را بر نهادهای مدیریتی شهرها تحمیل می‌نماید. بنابراین راه حل را بایستی در دانش‌های فرادست معماری و شهرسازی به ویژه آمایش سرزمین جست‌وجو نمود. به نحوی که با توزیع عادلانه امکانات در سطح کشور، توزیع جمعیت را به نحوی مدیریت نمود که ضمن اجتناب از توسعه عمودی بافت‌های مسکونی، شهرها به لحاظ افقی نیز، توسعه بی‌رویه نداشته باشند. خروجی این راه حل، معادل است با تکثیر شهرهای افقی خرد مقیاس و میان مقیاس به جای کلانشهرهای انگشت شمار و مملو از ساختمان‌های بلند و متراکم. نکته مهمی که بایستی در نتیجه‌گیری این مقاله به آن تصریح شود این است که اجرایی کردن یافته‌های این پژوهش نیازمند بسترسازی در سایر حوزه‌های مرتبط با نظام شهرسازی (اعم از اقتصاد مسکن و غیره) است و بدون لحاظ کردن شرایط مکانی و زمانی معاصر، نمی‌توان یافته‌های این پژوهش را لازم‌الاجرا دانست. به بیان دیگر، این پژوهش به تبیین ایده‌آل‌های فقهی در توسعه ابنیه مسکونی (فارغ از واقعیات موجود در نظام شهرسازی معاصر) پرداخت اما اجرایی کردن این ایده‌آل‌ها، نیازمند ملاحظه واقعیت‌های شرایط معاصر است؛ برای مثال نمی‌توان نقش ارزش زمین و مؤلفه‌های اقتصاد مسکن در ترویج روزافزون توسعه عمودی را نادیده پنداشت و چنین استنتاج می‌شود که لازمه اجرایی شدن یافته‌های این پژوهش، تشکیل کارگروه‌های تخصصی میان رشته‌ای (شامل متخصصان فقه و شهرسازی و اقتصاد و غیره) است تا بتوان با تحلیل همه جانبه مؤلفه‌های مؤثر بر الگوی توسعه عمودی مسکن، زمینه اجرایی شدن نتایج این پژوهش را فراهم نمود.

Urban design and social resilience, Case study: Jolfa neighborhood in Isfahan. *Journal of Architecture and Urban Planning*. (17): 99-116. [In Persian]

- Qomi, A. (1999). *Mafatih al-jenan*. Qom: Rouhani Press. [In Persian]
- Radaie Amoli, H. (2006). *Nahj Al-fasaheh*. Qom: Nasim-e Hayat Press. [In Arabic]
- Raeesi, M.M., & Noghrekar, A. (2014). Geometric-spatial evaluation of Tehran contemporary mosques by using thematic analysis of religious texts. *Journal of Research in Islamic Architecture*. (4): 28-44. [In Persian]
- Raeesi, M.M. (2016). The optimal size of the city and suburb from the perspective of Shiite jurisprudence. *Journal of Urban Management*. (43). 7-20. [In Persian]
- Rezaie, M.R., Saraie, M.H., & Bastaminia, A. (2016). Explaining and analyzing the concept of resilience and its indices and frameworks in natural disasters. *Knowledge of Crisis Prevention and Management Journal*. 6(1): 32-46. [In Persian]
- Shahid-e thani, Z. (1996). *Mosakken al-fo'ad*. Translated by Mokhber Dezfooli, A. Qom: Office of Islamic Publications. [In Persian]
- Shahid-e thani, Z. (1995). *Tasliyah al-ebad*. Translated by Khorasani, I. Qom: Immigration Press Office. [In Persian]
- Sheikh horre Ameli, M. (1993). *Vasael-al-shia*. Volume 5. Qom: Aal-al-beit Press.
- Steven, H., Michael, B., Camelli, F., Chan, S., Coirier, W., Kim, S., Olav, H., Huber, A. & Reynolds, M. (2006). Detailed Simulations of Atmospheric Flow and Dispersion in Downtown Manhattan: An Application of Five Computational Fluid Dynamics Models. *Bulletin of the American Meteorological Society (BAMS)*. 87(12): 1713-1726.
- Supreme Council of Urbanism of Iran. (2014). Report on the impact of high buildings on the natural ventilation of the city, <http://news.mrud.ir/download?ts=1452321597000&f=2016/01/09/0/22625.pdf>. [In Persian]
- Tabarsi, F. (1988). *A'alam al-vara be a'alam al-hoda*. Translated by Atarodi, A. Tehran: Islamiyeh Press. [In Persian]
- Tabatabaie, M.H. (1995). *Al-Mizan*. volume 8. (2014). Physical dimension analysis of the sense of belonging to the place in traditional homes and contemporary residential complexes. *Journal of Fine Arts*. 19 (3): 75-86. [In Persian]
- Ibn-e Ashath, M. (Without date). *Al-Jafariyat*. Tehran: Makatabah al- Neynavi al-hadisah. [In Arabic]
- Ibn-e Babeveih, M. (1983). *Al-khesal*. Corrected by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Teachers Society Publications. [In Arabic]
- Ibn-e Babeveih, M. (2001). *E'lal al-sharaye*. Volume 2. Translated by Zehni Tehrani, M.J. Qom: Believers Press. [In Persian]
- Jomepour, M., Najafi, G. & Shafia, S. (2012). Study of relationship between density and social sustainability in Tehran municipality areas. *Journal of Geography and Environmental Planning*. (48): 185-200. [In Persian]
- Maghrebi, N. (1963). *Da'aa'em al-Islam*. Volume 2. Edited by Feizi, A. Qom: Aal-al-beit Press. [In Arabic]
- Majlesi, M.B. (1988). *Behar-al-anavar*. Beirut: Arabic Ehya al-Torath Press . [In Arabic]
- Manyena, S. B., O'brien, G., O'keefe, P. & Rose, J. (2011). Disaster resilience: a bounce back or bounce forward ability. *Local Environment*, (16): 417-424. Retrieved from: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13549839.2011.583049?journalCode=cloe20>
- Michelson, W. (1990). *Man and his urban environment: A sociological approach*. Reading, MA: Addison - Wesley
- Mirzay-e Qomi, A. (1999). *Ghanaem al-Ayyam fee Masael al-Halal and al-Haram*. Volume 5. Qom: Al-A'lam al-Islami Press. [In Arabic]
- Mohaddeth-e nouri, H. (1988). *Mostadrak-al-vasael va mostanbat-al-masael*. Volume 3. Qom; Aal-al-beit le ehya al-torath Press. [In Arabic]
- Mortada, H. (2003). *Traditional Islamic principles of built environment*. London: Routledge.
- Mottaghi Hendi, A. (1991). *Kanz al-a'amal*. Volume 7. Beirut: Institute of Al-Risala. [In Arabic]
- Nelessen, A. (1994). *Visions for a New American Dream: Process, Principles and an Ordinance to Plan and Design Small Communities*. Chicago: Planners Press.
- Partovi, P., Behzadfar, M., & Shirani, Z. (2016).

Translated by Mousavi, M.B. Qom: Office of Islamic Publications. [In Persian]

- Tavassoli, M. (1992). Principles and methods of urban design and residential spaces in Iran. Volume 1. Tehran: Center for Urban Planning & Architecture Studies and Research. [In Persian]
- Wener, R. & Carmalt, H. (2006). Environmental psychology and sustainability in high-rise structures. *Technology in Society*. 28; URL: <http://www.elsevier.com/locate/techsoc>.
- Wood, A. (2007). Sustainability: A New High-Rise Vernacular. *The Structural Design of Tall and Special Buildings*. 16; URL: <http://www.interscience.wiley.com>.
- <http://news.mrud.ir/news/16530>